

اوراق مضاربه مطابق با فتاوی امام خمینی (س)

فهیمة ملک‌زاده^۱

چکیده: مضاربه از مسائل اقتصادی است که از روز نخست تدوین فقه وجود داشته است. فقهای اولیه شیعه از شیخ صدوق تا شهید اول و... تا امام خمینی به بحث درباره مضاربه پرداخته‌اند و کتاب‌هایی نگاشته‌اند که به‌عنوان جوامع اولیه فقهی به یادگار مانده است.

در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای تدوین شده است بر آنیم که تبیین کنیم، مضاربه ضرورتی اجتماعی دارد که همان به حرکت درآوردن سرمایه ثابت و نقدی است، و جامعه اسلامی روزبه‌روز ضرورت آن را بیشتر احساس می‌کند خصوصاً جامعه‌ای که می‌خواهد از نظام ربوی که آن را خلاف مشی دینی و اعتقادی خود می‌داند، دوری کند.

نوشته حاضر درصدد است پاره‌ای از مباحث فقهی سیاست‌های پولی از دیدگاه امام خمینی را مطرح کند و از آنجایی که ایشان و سایر فقها به بررسی فقهی این موضوع به‌طور مستقیم پرداخته‌اند، به‌ناچار این مباحث را از فتاوی ایشان در سایر ابواب فقهی برداشت نموده‌ایم. بدین جهت، ممکن است بعضی از این اظهارنظرها و برداشت‌ها یقینی نباشد و تنها ما را به ظن و گمان رهنمون سازد. امید است که این مقاله مقدمه‌ای برای پژوهش گسترده‌تر محققان و اساتید محترم گردد و با تبیین این گونه موضوعات از طرف دانشگاه و اجتهاد حوزه‌های علمیه، به احکام قطعی در این مسائل نائل گردیم.

کلیدواژه‌ها: مضاربه، اوراق بهادار، اوراق قرضه، عامل، سرمایه، سود.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران.

Email: malek900@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

پژوهشنامه متین/سال بیستم/شماره هشتاد/ پاییز ۱۳۹۷/صص ۱۲۹-۱۰۹

مقدمه

به اسناد مالی دارای نرخ بانام یا بی نام، اوراق بهادار گفته می شود که در معاملات بانکی و بازار بورس جریان دارد. این اوراق یا نمودار مشارکت در مؤسسه یا شرکتی است (اوراق مشارکت) و یا در قرضه های دراز مدّت (اوراق قرضه). عنوان یادشده از عناوین جدید است که در مسائل مستحدثت از آن سخن گفته اند.

مواضع و دیدگاه های امام خمینی در قبال پدیده های اجتماعی، به ویژه پدیده های جدید، مانند هر متفکر دیگری، تحت تأثیر مبانی کلی تری قرار دارد که بدون شناخت و توجه به آنها، فهم مواضع ایشان دشوارتر خواهد بود. اختلاف مواضع ایشان با سایر مواضع متفاوت که در بحث از زمینه تاریخی موضوع مورد بررسی قرار گرفت نیز ناشی از اختلاف و تمایز همین مبانی، با مبانی صاحبان آن مواضع است. از این رو قبل از آغاز بحث، به بررسی دیدگاه ایشان در قبال مفاهیم مورد نظر و به عبارت دیگر به تبیین موضوع پژوهش می پردازیم.

بدیهی است کشورهایی که با در پیش گرفتن سیاست های خردمندانه، بیشترین توجه را به رفتار عرضه پول داشته اند، کمترین بی ثباتی را در درآمد اسمی داشته اند. برعکس کشورهایی که کمترین توجه را به سیاست پولی داشته اند، بیشترین نوسان ها را در درآمد اسمی تجربه کرده اند و بر همین اساس است که قانون بانکداری ایران نیز بر مسئولیت سامان دهی، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار به عنوان یکی از وظیفه های نظام بانکی به روشنی اشاره دارد.

بی شک سرمایه گذاری از اساسی ترین مباحث اقتصادی است. بدون آن، تولید شکل نمی گیرد و ثروت تحقق نمی یابد. عدالت و توزیع مناسب ثروت، زمانی معنا می دهند که ثروت ایجاد شده باشد. تولید ثروت با انجام سرمایه گذاری اتفاق می افتد و سرمایه نقدی با پس انداز، قرض گرفتن و مشارکت صاحبان سرمایه در امر تولید تحقق می یابد.

شکی نیست که اسلام برای همه و جوه زندگی قوانینی دارد. وجود اقتصاد اسلامی مؤید این مطلب است که در حوزه اقتصاد، معیشت و تأمین رفاه هم روش های خاصی موجود است که باید به آنها پرداخته شود. بانکداری اسلامی و عقود اسلامی از آن دسته اند.

در بینش اسلامی، دریافت و پرداخت بهره تحریم شده است؛ بنابراین عملیات بانکداری و مالی باید بدون بهره انجام شود. اسلام روش هایی را برای جایگزین کردن بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می کند که از آن جمله می توان به عقود اسلامی از جمله مضاربه به عنوان ابزاری کارآمد اشاره کرد.

یکی از قراردادهایی که اسلام آن را مجاز دانسته و سود حاصل از آن را کاملاً حلال می‌داند قراردادی است به نام «مضاربه». به تعبیر بازاری، پول از یکی و کار از دیگری و نیز هر دو طرف متعهد می‌شوند تا سود حاصله را بر اساس نسبتی که باهم قرار گذشته‌اند بین خود تقسیم کنند. نکته مهم در مضاربه آن است که این عقد شرعی با کمی بی‌دقتی، آلوده به حرام شده و سر از ربا درمی‌آورد. پولی که از راه مضاربه نصیب انسان می‌شود حلال است به شرط آنکه طرفین قرارداد احکامش را به‌خوبی فراگرفته و با دقت آن را اجرا کنند.

نظام بانکی نیز به حمایت از سرمایه‌گذار در قانون مضاربه در نظام بانکی تأکید می‌کند: «بانک‌ها می‌توانند سرمایه نقدی (منابع) مضاربه را یکجا یا برحسب نیاز به تدریج در اختیار عامل قرار دهند» (ماده ۴).

همچنین در ماده ۵ مقرر می‌دارد: «بانک‌ها موظفند قبل از انعقاد قرارداد مضاربه عملیات موضوع مضاربه را در حد نیاز بررسی و اطمینان حاصل نمایند که اصل سرمایه و سود مورد انتظار در طول مدت مضاربه قابل برگشت است».

بنابراین اگر مشتری و نماینده بانک بر اساس قانون مضاربه با هم قراردادی را امضا کنند و بانک مکلف شود که تا رسیدن زمان پایان قرارداد مبلغی را ماهانه و به‌صورت علی‌الحساب به سرمایه‌گذار تقدیم کند؛ چنین توافقی ضرری به اصل قرارداد نزده و در این فرض اگر سایر شروط مضاربه را هم رعایت کنند، مضاربه صحیح بوده و سود دریافتی حلال خواهد بود.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم فقهی - حقوقی مضاربه

مُضاربه یا قِراض، قراردادی اقتصادی است میان دو طرف که مالک و عامل نامیده می‌شوند. در این قرارداد عامل با سرمایه مالک تجارت می‌کند و سود به‌دست آمده میان آن دو تقسیم می‌گردد (هاشمی شاهرودی ۱۴۲۶ ج ۱: ۶۱۵) و اگر ضرری به سرمایه وارد شد در صورت افراط و تفریط نکردن عامل در حفظ سرمایه، آن ضرر فقط بر عهده مالک است (محقق داماد ۱۴۰۶ ج ۱: ۹۵). به گفته برخی از نویسندگان، مضاربه پیش از اسلام رواج داشته و در حقوق رم، انگلیس و فرانسه نیز آمده است (بروجردی ۱۳۹۰: ۳۶۱).

فیومی می‌گوید: «ضربت فی الارض؛ سافرت و فی السیر اسرعت و ضارب فلان فلانا» (مضاربه) از ماده «ضرب» گرفته شده است، یا فلانی با فلانی مضاربه کرد (فیومی ۱۴۱۴: ۳۵۹). چون مضاربه از باب مفاعله است و در علم تصریف گفته‌اند که اصل در معنای این باب آن است

که میان دو نفر باشد، یعنی تحقق معنای آن صیغه بستگی به دو طرف دارد و در اینجا این طور نیست. فقط تاجر در زمین ضرب و سیر می کند نه مالک.

همچنین جوهری در این رابطه آورده است: «و ضرب فی الارض ضربا و مضربا بالفتح؛ ای صار فی ابتغاء الرزق و ضاربه فی المال من المضاربه و هی القراض». از ماده «ضرب» به معنای پیمودن زمین، برای طلب رزق و روزی گرفته شده است و ضاربه فی المال از مضاربه، یعنی قراض است (جوهری ۱۳۷۶: ۱۶۸).

همچنین ابن منظور می گوید «اینکه از ماده ضرب زیرو رو شدن مال گرفته شده است و بر این اساس علت نام گذاری این معامله به مضاربه این است که در این معامله، سرمایه در گردش می افتد و زیرو رو می شود» (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱ و ۵: ۵۴۳).

امام خمینی مضاربه را چنین تعریف کرده اند: «مضاربه عبارت است از عقدی که بین دو نفر منعقد می شود، به این صورت که سرمایه از یک طرف و کار از دیگری باشد» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۵).

ماده ۵۴۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «مضاربه عقدی است که به موجب آن یکی از متعاملین سرمایه می دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کند و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می شود». مشابه این مفهوم را قانون گذار در ماده ۳۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ بیان داشته است: «مضاربه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه (نقدی) می شود با قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله شریک باشند». با مقایسه این دو تعریف مشاهده می شود که در اساس هیچ تفاوتی باهم ندارند جز اینکه در ماده ۳۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا به نوع سرمایه که باید وجه نقد باشد تصریح شده است در حالی که در ماده ۵۴۶ قانون مدنی به آن اشاره نشده است؛ ولی این امر نباید موجب اشتباه شود که ذکر سرمایه در ماده ۵۴۶ قانون مذکور بلافاصله بعد از ماده مقرر بیان شده که (سرمایه باید وجه نقد باشد). تفاوت دیگر در قانون مدنی مضاربه را به عنوان «عقد» تعبیر کرده ولی در ماده ۳۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا از آن به «قرارداد» یاد شده است؛ ولی با توجه به اینکه از نظر عرف، تفاوتی بین عقد و قرارداد وجود ندارد و در میان عرف معمولاً این دو به جای هم به کار می روند، لذا قانون گذار هم بر اساس تفاهم عرفی در قانون اخیر از واژه قرارداد استفاده کرده است.

برای صحت مضاربه، به دو آیه از قرآن کریم، استناد شده است که این دو آیه بر مضاربه دلالت می کند. آیه اول: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۱۹۸) در اثنای حج

اگر بخواهید، خرید و فروش کنید، حرجی بر شما نیست. آیه دوم: «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (مزمّل: ۲۰) و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (کسب و روزی) به سفر می‌روند. آیه اول، بر معنای مضاربه اشاره می‌کند، ولی این استدلال را هیچ کس از فقهای اسلام قبول ندارد، بلکه بر این استدلال اشکالاتی وارد کرده‌اند و گفته‌اند: مضاربه در زمان گذشته حرام نبوده که بعد حلال شده باشد. آیه اول تقریباً همین معنا را می‌رساند. «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» حرجی بر شما نیست؛ اما آیه دوم؛ اگرچه مضاربه، یک اصطلاح فقهی است و ریشه‌اش از ضرب گرفته شده، ولی در آیه بر عموم تجارت اشاره شده است، نه بر خصوص مضاربه (رفیق مصری ۱۴۰۷: ۲۴۳). تقریباً همین نظر را مقدس اردبیلی اختیار نموده و گفته‌اند؛ این آیات به طور عام بر مضاربه و به طور خاص بر بیع و تجارت، دلالت می‌کنند (مقدس اردبیلی ۱۳۰۵: ۴۶۶). اگرچه بر آیه اول برخی اشکال نموده‌اند (مکارم شیرازی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۱؛ طباطبایی حکیم ۱۴۱۹ ج ۲: ۱۱۷)؛ اما اشکال دوم وارد است و در این زمینه، عمده‌ترین قول، قول مقدس اردبیلی است.

در روایات است که: عن محمد بن مسلم عن احدهما (عليهما السلام) قال: «سألته عن الرجل يعطى المال مضاربه و ينهي ان يخرج به فخرج. قال: يضمن المال و الربح بينهما» (حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۱۹: ۱۵)؛ یعنی شخصی مال می‌دهد و دیگری آن را به عنوان مضاربه می‌گیرد و مالک عامل را نپس کرده که مال را از منطقه خارج کند، ولی او از منطقه بیرون رفت. حضرت فرمودند: عامل ضامن است و سود در میان هر دو تقسیم خواهد شد. از روایت فوق فهمیده می‌شود که اصل معامله بدون شک درست است و اگر عامل برای مالک شرطی گذاشت و عامل این شرط را مخالفت کرد، آن وقت ضامن است. به طور عموم بر مضاربه دلالت؛ ولی به طور خاص بر بیع و تجارت دلالت می‌کنند، لذا از آیات نمی‌شود بر صحت مضاربه استدلال کرد.

اوراق مضاربه

اوراق مضاربه اوراق بهاداری است که بر اساس پیمان مضاربه طراحی می‌شود. ناشر اوراق مضاربه با واگذاری اوراق، وجوه متقاضیان اوراق را گردآورده، با عنوان مضاربه در اختیار بانی قرار می‌دهد، بانی وجوه را در فعالیت تجاری سودآور به کار می‌گیرد و در پایان هر معامله یا پایان هر دوره مالی، سود به دست آمده را بر اساس نسبت‌هایی که در اوراق نوشته شده، میان خود و صاحبان اوراق تقسیم می‌کند. دارندگان اوراق مالک و بانی عامل قرارداد مضاربه‌اند. اوراق مضاربه را می‌توان با کاربری‌های گوناگون طراحی کرد (کمیته فقهی بورس و اوراق بهادار، مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۱). برای اجرایی کردن این اوراق می‌توان از ضمانت‌های اجرای حقوقی

و الزام هر دو طرف به پایبندی به تعهدات، با به کارگیری قواعد و اصول حقوقی بهره گرفت (مصباحی مقدم و دیگران ۱۳۹۰: ۱۷۲).

اوراق قرضه

اوراق قرضه، اسنادی است که به موجب آن شرکت انتشاردهنده متعهد می شود مبلغ مشخصی (بهره سالانه) را در زمان‌هایی خاص به دارنده آن پرداخت کند و در زمان مشخص (سررسید) اصل مبلغ را بازپرداخت کند. دارنده اوراق به‌عنوان بستانکار حق دریافت اصل و بهره آن را دارد، ولی هیچ مالکیتی در شرکت ندارد و طبق آن صادرکننده به خریدار بدهکار می‌شود. این سند دارای سررسید است و مبلغ آن در زمان سررسید به وسیله صادرکننده پرداخت می‌شود. این اوراق دارای کوپن بهره هستند و بهره آن‌ها در فواصل زمانی معینی از طرف بانک که نمایندگی صدور اوراق را دارد، پرداخت می‌شود. از نظر سررسید، اوراق قرضه به سه دسته کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند. سررسید اوراق کوتاه مدت بین یک تا پنج سال، سررسید اوراق میان مدت بین پنج تا ده سال و سررسید اوراق بلند مدت معمولاً بیش از ده سال است؛ بر اساس تعاریف قانونی، قرضه، برگه‌ای است که بیانگر مبلغی وام با بهره معین بوده و قابل معامله نیز است. ماده ۵۲ قانون تجارت، اوراق قرضه را این گونه تعریف می‌کند: «ورقه قرضه عبارت است از برگه قابل معامله‌ای که مبلغی وام با بهره معین را معرفی می‌کند که تمامی آن یا بخش‌هایی از آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد شود.» طبق ماده ۲ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۴۵، علاوه بر شرکت‌های سهامی (عام)، شهرداری‌ها، مؤسسات وابسته به دولت و خزانه‌داری کل می‌توانند تحت شرایط مقرر در قوانین و تشکیلات خود اقدام به صدور اوراق قرضه کنند همچنین طبق قسمت اخیر ماده ۵۲ قانون تجارت، برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره، حقوق دیگری نیز شناخته شود.

اوراق مضاربه دولتی

اوراق مضاربه (کوتاه مدت و بلندمدت) پس از پایان دوره فروش آن به قیمت اسمی، در بازار بورس اوراق بهادار قابل خرید و فروش هستند. بدیهی است که قیمت اوراق علاوه بر عرضه و تقاضا به عواملی چون نرخ سود انتظاری و تغییرات متغیرهای اقتصادی نیز بستگی دارد. بعد از پایان یافتن فروش اوراق، بانک مرکزی متناسب با شرایط اقتصادی، اقدام به خرید و فروش آن‌ها می‌کند. به این ترتیب که در شرایط تورمی با فروش اوراق به بانک‌های تجاری و مردم، قدرت

اعتبار دهی بانک‌ها و حجم پول در دست مردم را کاهش و در شرایط رکودی با خرید آن‌ها از بانک‌های تجاری و مردم، قدرت اعطای تسهیلات بانک‌ها و نقدینگی بخش خصوصی را افزایش می‌دهد.

این اوراق قابلیت تجدید انتشار نیز دارند، به این صورت که در سررسید معین، دولت اقدام به انتشار و فروش اوراق جدید می‌کند و از محل درآمد آن‌ها، اصل سرمایه و سود صاحبان اوراق قبلی را می‌پردازد. در نتیجه خریداران جدید جایگزین مالکان قبلی می‌شوند. روشن است که خریداران قبلی نیز می‌توانند در جمع خریداران اوراق جدید باشند (نقش خود به‌عنوان مالک را تمدید کنند). اگرچه این اوراق از نظر فقهی مشکلی ندارند، ولی از جهاتی موردنقد واقع شده‌اند (موسویان ۱۳۷۸: ۱۲).

اوراق مشارکت دولتی

انتشار این اوراق نسبت به سایر ابزارهای تأمین مالی که تاکنون اشاره شده است، از مزایایی برخوردار است. این اوراق شامل تمام بخش‌های اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعتی، خدماتی و بازرگانی می‌شود. همچنین قابلیت استفاده در انواع طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را دارد. برتری دیگر این اوراق در این است که بر اساس مقررات ناظر بر عقد شرکت، بخشی از سرمایه طرح به وسیله دولت تأمین می‌شود و این امر ضمن جلب اعتماد مردم، زمینه تضمین اصل سرمایه را فراهم می‌آورد. همچنین دولت می‌تواند در مقاطع زمانی خاص، درصدی از اصل سرمایه را به‌عنوان سود علی‌الحساب به صاحبان اوراق بپردازد و در پایان دوره مالی و یا در پایان سال مالی از سهم سود آنان کسر کند.

این اوراق با وجود مزایایی که بر سایر ابزارهای تأمین مالی دارد، با اشکالاتی مواجه است؛ مخصوصاً در کشوری مثل ایران که فاقد بازار متشکل اوراق بهادار است و تجربه زیادی در خرید و فروش اوراق مالی ندارد. برای مثال وسعت دامنه تغییرات سود، خصوصاً در طرح‌های کوتاه‌مدت، باعث سلب اعتماد مردم شده و مانع شکل‌گیری قیمت‌های روشن برای معاملات ثانوی اوراق می‌شود. اشکال دوم به پایین بودن سوددهی بنگاه‌های دولتی برمی‌گردد. تجربه ثابت کرده است که دولت تاجر موفق نیست (موسویان ۱۳۷۸: ۱۲).

مضاربه با اوراق قرضه

یافته‌ها حاکی از آن است که در یک‌صد سال اخیر، تمامی بحران‌های مالی جهانی ریشه در

استقراض (تأمین مالی از طریق وام و یا اوراق قرضه) بیش از اندازه دارد تا حدی که قدرتمندترین دولت‌ها را به زانو در آورده است. با وجود همه آفات مالی و اجتماعی سیستم استقراض، وابستگی و اعتیاد دولت‌ها به آن خصوصاً در شرایط کسری بودجه از طریق تسهیل مقداری پولی امری آشکار و تمام‌نشده است.

ناکارایی و مخرب بودن نظام قرض و بهره برای همه اقتصادهای دنیا امری ثابت شده است. آنچه نظام مالی جهانی به آن نیاز دارد، یک سیستم مالی بدون اهرم است که ثبات و رشد پایدار اقتصادی را به همراه آورد. برای طراحی و پیاده‌سازی نظام مالی که بتواند در مقابل سیکل شوم قرض و اهرم مالی، بی‌ثباتی، سفته‌بازی، خلق بحران، چپاول مالی به وسیله بنگاه‌های مالی سدی را قرار دهد، باید خارج از چارچوب و سیطره نظام مالی جهانی فکر و برنامه‌ریزی کرد. در پاسخ به این نیاز، عقود مبتنی بر تقسیم ریسک می‌تواند راهکار مناسبی باشد که در نظام مالی اسلامی به مضاربه و مشارکت معروف است.

مضاربه، هم خاصیت بدهی و هم سهام را در خود دارد. نکته مهم این است که با این عقد ریسک تقسیم می‌گردد و از طرف دیگر اهرم منتج از قرض در آن وجود ندارد. نکته دیگر اینکه بحث سبک‌سنگین کردن و معاوضه قرض - سهام در اوراق مضاربه منتفی است. به جهت ناآشنایی سیاست‌گذاران تأمین مالی دولتی کشورهای اسلامی با فواید این اوراق است که آن‌ها تنها با تقلید از مدل بازارهای پیشرفته مالی بر روی تأمین مالی از طریق اهرم و استقراض به‌عنوان تنها گزینه تمرکز می‌کنند.

در مضاربه، سرمایه‌گذار (رب المال) پس از بررسی‌های فنی و سوابق عامل یا ناشر سرمایه را با تعیین سهم سود توزیعی و البته با توافق ناشر، در اختیار وی قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، اگر بر روی ۳۰-۷۰ توافق کنند، ۳۰٪ سود به‌دست آمده برای سرمایه‌گذار و ۷۰٪ برای ناشر است. ناشر، اگر سودی به دست نیآورد، هیچ سودی را توزیع نمی‌کند و این همان خاصیت سهام است.

جواز و لزوم مضاربه

قرارداد مضاربه از عقود جایز است که بر این مسئله علمای اسلام اجماع دارند، ولی بعضی از روشنفکران اهل سنت بر جایز بودن قرارداد مضاربه اشکال کرده‌اند که چرا عقد مضاربه جایز است. یکی از آنها اینگونه می‌گوید: نمی‌دانم فلسفه‌اش چیست که امامان ما (ائمه اربعه اهل سنت) این کار را آزاد گذاشته‌اند، مگر اینکه هدف آن‌ها دفاع از عامل (که ضعیف‌تر است) در برابر قوی‌تر (مالک) باشد. ممکن است آن‌ها گمان کرده باشند که محدود کردن زمان موجب

می‌شود. برخی فرصت‌های مناسب از دست مضارب برود، یا نقشه‌های او مختل شود و در نتیجه، او به سودی که خود را برای آن آماده ساخته بود و به خاطر آن کار می‌کرد، نرسد. من شخصاً، احساس می‌کنم که این فقیهان با مجاز دانستن فسخ عمل از سوی هر یک از دو طرف در هر زمان، در واقع هدف خود مبنی بر دفاع از عامل را نقض کرده‌اند؛ زیرا صاحب سرمایه حق دارد در هر زمان که بخواهد تصمیم به فسخ بگیرد اگرچه این کار تأثیر بسیار نامطلوبی بر عامل داشته باشد. از نظر منطقی، دلیل معتبری وجود ندارد که چرا دو طرف نمی‌توانند زمان ثابتی را برای مشارکت خود تعیین کنند، در حالی که اجازه دارند به صلاحدید خود هر زمان بخواهند عمل را فسخ کنند، آیا هیچ زمانی نمی‌تواند «زمان تعیین شده» باشد (خورشید ۱۳۷۴: ۱۰۸). این اشکال اهمیت دارد، در این زمینه بهترین قول؛ قول خوبی است. ایشان گفته: «این اجماع ثابت نشده و قضاوت عرف، بهترین دلیل بر این است که مضاربه از عقود جایز است، چون عرف می‌گوید، هنوز ارتباط مالک با مالش قطع نشده و این ارتباط با موردی که مال را فروخته باشد فرق دارد و قراض و مضاربه مانند مال عاریه‌ای است و امانتی است که ارتباط صاحب‌مال، با آن قطع نشده است» (خوبی ۱۴۰۹ ج ۳: ۳۸)؛ ولی ممکن است کسی بر خوبی اشکال کند که بر فرض ارتباط صاحب‌مال با مالش قطع نشده باشد، این به منزله دلیل لزوم و جواز محسوب نمی‌شود، پس کدام دلیل وجود دارد که جواز مضاربه را اثبات کند. قبل از آوردن دلیل، باید چند امر، به‌عنوان مقدمه دلیل، ذکر شود:

۱. اصل در عقود، لزوم است و اثبات جواز یک معامله، نیاز به دلیل دارد و دلیلی که برای جواز مضاربه ذکر می‌شود، اجماع است که قابل قبول نیست، چون اجماع، مدرکی است.
۲. وقتی مالک سرمایه خود را در اختیار عامل می‌گذارد و عامل، سرمایه مالک را در راه تجارت صرف می‌کند، عملشان نشانگر این حقیقت است که هر دو نسبت به یکدیگر، اطمینان دارند، پس اگر مضاربه جایز باشد و هر دو، هر زمان خواستند، بتوانند فسخ کنند، این امر اطمینان طرفین را از بین خواهد برد. در آن صورت مضاربه چندان فایده‌ای نخواهد داشت. با توجه به امور مذکوره، مضاربه در عرف از معاملات لازم است. جناب شیخ انصاری در *مکاسب*، بعد از فراغ از تعریف بیع، این امر را ذکر نموده‌اند که از صحت عرفی، صحت شرعی کشف می‌شود. اگر صاحب سرمایه و عامل، هر دو شرط بستند که قبل از حلول مدت معین، قرارداد مضاربه را فسخ کنند. این شرط را می‌توان از دو جهت تصور کرد:

۱. به‌عنوان شرط نتیجه؛ مراد از شرط نتیجه این است که قرارداد مضاربه قابلیت انفساخ ندارد. بدون شک این چنین شرطی باطل است؛ زیرا که مخالف کتاب و سنت است. اگرچه اصل

قرارداد باطل نیست، چون در میان شرط فاسد و مشروط فاسد ملازمه‌ای نیست.

۲. به‌عنوان شرط فعل؛ مراد از شرط فعل، این است که طرفین توافق کنند که قرارداد مضاربه را یک‌طرفه نمی‌شود فسخ کرد. گرچه معامله در ذات خود جایز است و قابل فسخ هم هست. شرط درست است و قابل وفا هم هست (فاضل لنکرانی ۱۴۰۹: ۳۵).

ثمره این دو شرط آنجا ظاهر خواهد شد که در صورت اول، فسخ، در انفساخ مؤثر است، بدون اینکه مستلزم حکم تکلیفی باشد؛ اما در صورت دوم، باوجود مخالفت تکلیفی، فسخ، مؤثر در انفساخ است (فاضل لنکرانی ۱۴۰۹: ۳۶).

ممکن است کسی بگوید، اگر ما صحت شرط را بپذیریم، در آن صورت مطلوب ما حاصل نخواهد شد؛ زیرا که شرط جزء عقد محسوب می‌شود. خود شرط به‌عنوان حکم زائد بر عقد نیست، پس اگر عقد جایز است، شرط عدم فسخ هم جایز خواهد شد و لازم نیست پابند آن شرطی باشیم که در عقد شده است (شهید ثانی ۱۴۱۹ ج ۶: ۳۹۵).

تضمین سود معین از سوی بانک

در قرارداد مضاربه، از سوی بانک یا شرکت اقتصادی، می‌توان سود معین را تضمین داد. البته این تضمین به‌عنوان سود قطعی نباشد، بلکه مقدار تقریبی سوددهی را اعلان کنند، چون اگر سود قطعی را تضمین کنند، در این صورت، ربا لازم می‌آید. در این زمینه بهترین راه حل این است که بانک یا شرکت‌های تجارتي، نرخ بازار را مورد مطالعه قرار دهند، چون تغییرات سرمایه‌گذاری در بازار اثر خاص دارد، سپس سود تقریبی را اعلان کنند. اینجا یک نکته لازم است که یادآوری شود؛ از سوی بانک یا شرکت تجارتي، راجع به سود مضاربه اعلان شود که ده درصد یا بیست در صد، سود پرداخت خواهد شد، این‌ها شرایط روز را مورد مطالعه قرار می‌دهند و بعد مقدار سود را اعلان می‌کنند. کسی گمان نکند که این سود، سود قطعی است یا در صورت زیان در تجارت، بانک یا مؤسسه اقتصادی، سود اعلان‌شده را باید پرداخت کند. این چنین نیست، این تضمین بانک یا شرکت تجارتي، مشتمل بر احتمال است، لذا در صورت زیان، کسی حق ندارد که از بانک یا شرکت، مطالبه سود کند.

راه دوم برای تضمین سود را آقای جواهری ارائه داده‌اند. بد نیست که نظر وی را در اینجا ذکر کنیم؛ ایشان می‌فرماید که بانک یا شرکت‌های تجارتي در قرارداد مضاربه، واسطه یا وکیل عام هستند. این‌ها از اول برای تجار شرایط و قیودی را معین می‌کنند که اگر تجار می‌خواهند، عملیات تجارتي را انجام دهند، سود معین بنا بر فرض حصول، خواهند گرفت. بحث اقتضا

می‌کند که مطلب را بازتر بیان کنیم؛ بانک واسطه است در بین صاحب سرمایه و عاملین، لذا بانک می‌تواند در میان تجار و دولت یا بعضی از شرکت‌های عمومی تعامل کند، به صورت «بیع مرابحه»، به عبارت دیگر، بانک مشتری‌هایی را پیدا کند که آن‌ها عملیات تجاری انجام می‌دهند و از آن‌ها تعهد اطمینان‌بخش بگیرد و ملزم کند که شما با تجار به صورت بیع مرابحه معامله کنید. بر این اساس بانک یا مؤسسه اقتصادی برای مالک سرمایه، تضمین سود معین دهد، بعد از انتهای معامله، بانک عملیات مضاربه‌ای را مورد بررسی قرار بدهد، اگر سود کمی حاصل شود، همان سود به مالک سرمایه تعلق می‌گیرد و اگر سود بیشتری حاصل شود آن وقت بانک به سپرده‌گذار ابلاغ خواهد کرد که بیشتر از سود تضمین شده حاصل شده است (جوهری ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۷۰).

قرارداد مضاربه به صورت مشارکتی

آیا قرارداد مضاربه به شرط این است که یک عامل و یک مالک باشد یا می‌شود، چند مالک حقیقی یا حقوقی باشد و یک عامل و یا چند عامل و یک مالک. روایاتی که در باب مضاربه وارد شده‌اند، به این اشاره می‌کنند که باید یک عامل و یک مالک باشد و یا اگر مالک حقوقی یک طرف باشد و عامل یکی باشد، اشکال ندارد، چون مالک حقوقی، مثل دولت یا موقوف علیهم در حکم یک نفر محسوب می‌شود و اگر عاملان هر یک در نوعی خاص و جهت جدا تجارت انجام بدهند، اشکال ندارد، چون حکم واحد را دارند، مثل این است که مالک، چند عامل مجزا و هر یک به تجارتی خاص پردازند؛ اما سؤال این است که اگر عاملان بخواهند با یکدیگر به عنوان شریک روی سرمایه مالک کار کنند که به نام «شرکه الابدان» یا شرکت در اعمال معروف است، چه حکمی دارد؟ در فقه امامیه اختلافی در بطلان این شرکت وجود ندارد، جز این جنید که به قول بعضی شرکت در اعمال را مباح شمرده است. دیگر فقیهان آن را در تمام صورت‌های خود بی‌اعتبار دانسته‌اند (نجفی ۱۹۸۱ ج ۲۶: ۲۹۷). دلیل بطلان، این گونه بیان شده که شرکت، عقد شرعی است و نفوذ آن موقوف به اذن شارع است که از این مبنا اصل عدم شرکت استخراج می‌شود که هیچ دلیل قطعی در مورد شرکت اعمال، برخلاف آن وجود ندارد. وانگهی از چنین شرکتی ضرر زیاد برمی‌خیزد و معلوم نیست هر شریک در برابر کاری که می‌کند چه به دست می‌آورد (جوهری ۱۳۸۵ ج ۲۶: ۲۹۷؛ طباطبایی حکیم ۱۴۱۹ ج ۱۳: ۱۷).

سؤال دوم این است که اگر مالک متعدد باشد و اموال خود را به چند عامل بدهند که شریک شوند، در این صورت نوع شرکت، نسبت به مالکان «شرکه الاموال» است و این شرکت اشکال ندارد. سید محمد کاظم یزدی می‌گوید: «يجوز اتحاد المالك و تعدد العامل مع اتحاد

المال»؛ جایز است که مالک یک نفر و عامل متعدد باشد و در عین حال مال، شیء واحد باشد (طباطبایی یزدی ۱۴۲۳ ج ۲: ۵۴۲). علامه می‌گوید: «یجوز تعددهما و اتحادهما و تعددهما خاصة»؛ جایز است که مالک و عامل متعدد باشند و جایز است، مالک و عامل هر کدام یک نفر باشند و نیز جایز است یکی از طرفین متعدد باشند (علامه حلی ۱۳۸۵ ج ۸: ۵۷). دلیل این گروه، اطلاق ادله است. خویی می‌گوید: «در حقیقت مضاربه منحل می‌شود به دو یا چند مضاربه دیگر، چون اتحاد در مقام انشاء، منافی تعدد در واقع نیست» (خویی ۱۴۰۹ ج ۳: ۸۷).

امام خمینی یکی بودن مالک و تعدد عامل در مال واحد را جایز می‌داند، چه به شرط تساوی در سود یا به شرط عدم تساوی در سود، اگرچه در عمل مساوی باشند... و همچنین جایز است، مالک متعدد و عامل یکی باشد، به این صورت که مال میان دو نفر مشترک باشد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۶-۴۷۷ م ۱۰). همچنین اگر مالک و عامل در مضاربه شریک شوند، این هم درست است. ایشان در *تحریر الوسیله* در رابطه با مضاربه متذکر می‌شوند: شرط است که استرباح (طلب نمودن سود) به واسطه تجارت باشد، پس اگر مالی را به کشاورز بدهد تا آن را در زراعت مصرف کند و حاصل آن بین آن دو مشترک باشد، یا مالی را به صنعت کار بدهد تا در حرفه‌اش مصرف کند و فایده بین آن دو مشترک باشد، صحیح نیست و مضاربه نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۵-۴۷۶ م ۲).

همچنین می‌گوید: درهم‌های مغشوش (ناخالص) اگر با این که چنین هستند (در بازار معاملات) رایج باشند، مضاربه با آنها جایز است و در آنها خالص بودن لازم نیست. البته اگر قلبی باشند که واجب است شکسته شوند و معامله با آنها جایز نباشد، صحیح نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۶ م ۳).

اگر طلبی از شخصی داشته باشد جایز است کسی را وکیل نماید تا آن را دریافت کند، سپس (خود وکیل) به عنوان موجب و قابل عقد مضاربه را بر آن از جانب دو طرف واقع سازد و همچنین اگر مدیون، شخص عامل باشد جایز است او را وکیل کند تا آنچه را که در ذمه‌اش است در نقد معینی برای طلبکار تعیین نماید و سپس (خود مدیون) به عنوان موجب و قابل عقد مضاربه را بر آن واقع سازد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۶ م ۴).

مضاربه از هر دو طرف جایز است، که برای هر کدام از آنها جایز است فسخ کنند؛ چه قبل از شروع در عمل و یا بعد از آن، چه قبل از حاصل شدن سود و یا بعد از آن، چه همه مال نقد شده باشد یا جنس‌هایی در آن باشد که هنوز نقد نشده باشد، بلکه اگر در مضاربه شرط مدت کنند برای هر کدام از آنها جایز است قبل از پایان مدت آن را فسخ نمایند و اگر در آن شرط کنند

که فسخ نمایند، پس اگر مقصود این باشد که لازم باشد به طوری که با فسخ هیچ یک از آن‌ها منفسخ نشود، به این که آن را کنایه از لزومش قرار دهند با ذکر قرینه‌ای که بر آن دلالت نماید، شرط باطل است و بنا بر اقوی اصل مضاربه باطل نیست و اگر مقصود این باشد که به آن ملزم باشند و آن را فسخ نمایند، پس اشکالی ندارد و بعید نیست که عمل به شرط بر آن‌ها لازم باشد و همچنین است اگر آن را در ضمن عقد جایزی شرط کنند مادامی که (آن عقد جایز) فسخ نشده است؛ اما اگر لزوم را در ضمن عقد خارج لازمی - مانند بیع و صلح و مانند این‌ها - شرط نمایند، پس اشکالی در لزوم عمل به آن نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۷ م ۱۱).

ظاهراً معاطات و فضولی در مضاربه جاری می‌شود، پس با معاطات، صحیح است و اگر از طرف مالک یا عامل به صورت فضولی واقع شود، با اجازه آن‌ها صحیح می‌شود؛ حال چه اینکه فضولی سرمایه مالک را به عامل قراض بدهد و یا عمل عامل را به مضاربه بگذارد باینکه نه مالک از این معامله خبر داشته باشد و نه عامل و همین که آن را اجازه کنند معامله صحیح است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۷۷ م ۱۲).

اگر مضاربه فاسد باشد، تمام ربح مال مالک است در صورتی که اذن او در تجارت مقید به مضاربه نباشد، و گرنه [معاملات فضولی] متوقف بر اجازه او است و بعد از اجازه، ربح مال او می‌شود؛ چه هیچ کدام، فساد آن را ندانند یا هر دو بدانند یا مختلف باشند و برای عامل در صورتی که جاهل به فساد باشد، اجرت‌المثل عملش است؛ چه مالک عالم به فساد باشد یا نباشد، بلکه اگر عامل، فساد را هم بداند استحقاق او نسبت به اجرت‌المثل، خالی از وجه نیست در صورتی که به مقداری ربح حاصل شود که بر فرض صحت مضاربه، سهم او مساوی اجرت‌المثل یا بیشتر باشد و اما در صورت نبودن ربح یا کمتر بودن سهم او از اجرت‌المثل پس با علم او به فساد مضاربه بعید نیست که بنا بر اول [که اصلاً سودی نبوده] مستحق نباشد و بنا بر دوم [که سهمش کمتر از اجرت‌المثل است] زیاده‌تر از مقدار سهمش استحقاق نداشته باشد و اگر جاهل به فساد باشد احتیاط [واجب] مصالحه است، بلکه مطلقاً احتیاط را ترک نکنند که مصالحه نمایند و عامل، در تمام حالات و صور، تلف و نقصی را که بر مال وارد می‌شود ضامن نیست البته آنچه را در مسافرت برای خودش خرج کرده بنا بر اقوی ضامن است اگرچه فساد را نداند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۴۸۲ م ۳۳).

اوراق قرضه بدون بهره

از نظر فقهی، معامله اول این اوراق هیچ مشکل شرعی ندارد و در حقیقت بیانگر فروش نسیه‌ای

کالا از طرف بانک به دولت و گرفتن سند مالی در برابر آن است؛ اما معامله دوم، یعنی تنزیل اسناد نزد مردم یا بانک مرکزی را اگر به معنی استقراض و حواله بدانیم، به این معنی که بانک تجاری از بانک مرکزی یا مردم استقراض کرده و با دادن سند مالی دولت بازپرداخت قرض را به دولت حواله می‌کند، در این صورت، تنزیل ماهیت قرض با بهره پیدا کرده و به اتفاق همه فقها حرام و باطل است؛ اما اگر تنزیل را از باب فروش دین بدانیم بین فقها محل خلاف است. شماری از بزرگان چون امام خمینی، فروش سفته و برات و هر سند مالی را به شخص ثالث به کمتر از مبلغ اسمی جایز نمی‌دانند، برخی دیگر چون گلپایگانی (۱۳۸۲ ج ۲: ۲۹) و اراکی (۱۳۷۲: ۵۲۲) فروش سفته را در صورتی که حاکی از بدهی حقیقی باشد (سند صوری نباشد) جایز می‌دانند (قانون انتشار اسناد خزانه و اوراق قرضه مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحیه ۱۳۵۰).

می‌توان گفت اوراق مشارکت دولتی بهترین پیشنهاد برای جایگزینی اوراق قرضه جهت سیاست پولی است (هادوی نیا ۱۳۷۶: ۶۴)، یعنی مشارکت کار و سرمایه در تمام مراحل فعالیت اقتصادی نیز، برابر است و دولت نیز می‌تواند به کمک آن در تمام عرصه‌های اقتصادی با استفاده از سرمایه‌های مردم به اجرای طرح‌های عمرانی و دفاعی حتی طرح‌های محرومیت‌زدایی بپردازد، همان‌گونه که بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از عنصر انگیزشی سود با خرید و فروش این اوراق به عملیات بازار باز و اعمال سیاست پولی بپردازد؛ ولی با این حال وجود چند عامل، موفقیت این اوراق را در کشورهای مثل ایران که بی‌بهره از بازار متشکل اوراق بهادارند و تجربه زیادی در خرید و فروش ابزارهای مالی ندارند، با ابهام جدی روبه‌رو می‌سازد.

عامل اول زیاد بودن دامنه دگرگونی‌های سود است. به این معنی که به جهت نبود تجربه کافی در زمینه اوراق یادشده، اگرچه دولت برابر عقد شرکت ضررهای احتمالی را تعهد کرده و بازپرداخت اصل سرمایه را متعهد می‌شود، لکن دامنه تغییرات سود، به‌ویژه در طرح‌های خاص و کوتاه‌مدت از صفر شروع شده تا چند برابر سود متوسط معمول در اقتصاد، انتظار می‌رود و این مطلب، افزون بر این که مانع اعتماد مردم به اوراق می‌شود، مانع شکل‌گیری قیمت‌های روشنی برای معاملات ثانوی اوراق می‌گردد؛ در نتیجه شکل‌گیری و توسعه بازار آن‌ها با مشکل جدی روبه‌رو می‌شود.

عامل دوم پایین بودن سوددهی بنگاه‌های دولتی است. تجربه اقتصادی نشان می‌دهد دولت، تاجر موفق نیست و جز در مواردی که از مزیت انحصار برخوردار بوده، سوددهی بنگاه‌های دولتی، به‌طور معمول، کمتر از سوددهی بنگاه‌های خصوصی است؛ در نتیجه مردم و مؤسسات خصوصی ترجیح خواهند داد پس‌انداز و دارایی‌های خود را در غیر اوراق مشارکت دولتی سرمایه‌گذاری کنند.

امام خمینی در پاسخ به سؤال «سودی که بانک‌های دولتی بابت پس‌انداز می‌پردازند، آیا جایز است بابت مالیات یا بهره‌ای که خود شخص یا بستگانش مجبوراً به دولت یا بانک‌ها پرداخته تقاصاً اخذ کند یا خیر؟» پاسخ می‌دهند که «سود پول حرام است لکن تقاص بابت طلب شرعی خودش از همان شعبه اشکال ندارد» (امام خمینی ۱۳۹۱: ۴۹۰).

امام در جواب، بین آنچه شخص خودش طلب دارد و بین آنچه دیگران طلب دارند، تفکیک کرده‌اند و تقاص بابت طلب دیگران را، منوط به وکالت از طرف آن اشخاص دانسته‌اند؛ اما مالیات را از بهره و دولت را از بانک‌های دولتی تفکیک نکرده‌اند و این مستلزم این است که دولت و بانک‌های دولتی از این جهت دارای یک شخصیت حقوقی باشند، هرچند ممکن است از جهات دیگر شخصیت‌های حقوقی متفاوتی داشته باشند.

مشابه این نظر را در فتوای امام در مورد بیمه مشاهده می‌کنیم. ایشان جایز می‌دانند که یک شرکت بیمه، نزد شرکت بیمه وسیع‌تری، خود را بیمه کند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۷۹ م ۱۰) با توجه به این که شرکت بیمه کوچک با بیمه شدن نزد شرکت بیمه وسیع‌تر، شخصیت حقوقی خود را از دست نمی‌دهد، می‌توانیم نسبت بانک مرکزی به بانک‌ها را به آن دو شرکت تشبیه کنیم. این فتوا در مقابل فتوای بعضی دیگر از فقهاست که دولت را مالک اموال نمی‌دانند و از جهت این که بانک‌های دولتی، جزئی از دولت هستند اموال آن‌ها را از قبیل مجهول‌المالک به شمار می‌آورند و دریافت و تصرف در آن‌ها را «اگرچه به وجه شرعی باشد» بدون اجازه حاکم شرع، جایز نمی‌دانند (کرمی ۱۳۷۷: ۳۱۵).

مواضع اقتصادی امام خمینی

امام خمینی به دلیل نوع برداشت خود از اسلام و به تبع آن وظایف و تکالیف یک عالم اسلامی و در موضع مسئولیت رهبری و هدایت جامعه اسلامی، هم به دلیل اعتقاد خود و هم به دلیل موقع و جایگاه خود در رهبری جامعه، برخلاف بسیاری از علمای هم‌طراز خود، با پدیده‌های جدید مواجه بود و بر دستاوردهای تمدن جدید آگاهی و اطلاع داشت و از تحولات جامعه مورد رهبری و جهان معاصر خویش مطلع بود و دیگران را نیز بر این آگاهی و اطلاع ترغیب می‌نمود؛ «آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک

مجتهد جامع است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۹). ایشان ضمن اعتقاد به روش سنتی فقه از پویایی فقه سخن می‌گوید و بر نقش اجتهاد مبتنی بر مکان و زمان، یعنی در نظر آوردن شرایط متغیر، تأکید می‌کند.

موضع امام در قبال تمدن جدید، پذیرش همراه با نقد و انتخاب است، در اینجا لازم است معیارهای نقد و انتخاب ایشان نیز ذکر گردد. دانستن این معیارها، برای فهم بهتر موضع ایشان اهمیت دارد؛ و تفاوت نقادی و انتخاب ایشان را از سایر موضعی که آن‌ها نیز ممکن است مبتنی بر نقادی و انتخاب باشد، نشان خواهد داد؛ زیرا ارزیابی هر نقد و هر انتخاب، در گرو آگاهی از معیارهاست، این معیارهاست که نوع نقد و انتخاب را مشخص می‌سازد و موضع را از سایر مواضع متمایز می‌سازد. بدیهی است از نظر امام این معیار با معیار اصلی که اسلام است تناقض ندارد. امام معتقد است اسلام مصلحت جامعه است و مغایر با مصالح مردم و جامعه نیست (مجله اینترنتی حضور ۱۳۷۴، ش ۱۲).

برای وضوح بیشتر دیدگاه ایشان متن دیگری را در کنار متن فوق ذکر می‌کنیم که می‌تواند مکمل آن محسوب شود:

بانک‌های ما باید توجه به این معنا داشته باشند که بانک، بانک اسلامی است امروز، نه بانک زمان رضاشاه و محمدرضا شاه. بانک‌ها باید فکر این مطلب باشند که مسائل خودشان را با اسلام تطبیق بدهند و همه‌جا این طور باید باشد. ما از - روی هم‌رفته - جامعه‌مان هیچ نگرانی نداریم. روی هم‌رفته، جامعه ما یک جامعه اسلامی است و دارد رو به اسلام می‌رود، اما از این خصوصیات و افراد نادر، که گاهی وقت‌ها اشخاص بسیار خطرناکی هستند، از این‌ها نگرانی هست که مبادا در هر جا که این‌ها بتوانند وارد بشوند و با ورود خودشان، انحراف ایجاد بکنند؛ و ما نباید سهل‌انگاری کنیم که خوب، یک نفر آمده است - فرض کنید - در این محل و خرابکارها، دیگران نیستند. نه یک نفر فاسد یک وقت می‌بینید که یک انجمنی را فاسد می‌کند و یک کشوری را رو به فساد می‌کشاند. ما باید توجه به این مسائل داشته باشیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۱۷۲).

در جای دیگر تأکید می‌کند:

اصل بهره از پول یک امری است بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت که یک پولی آنجا گذاشته‌اند، بعد آن پول نه کاری، نه چیزی، یک چیزی در آورند. بدترین انواع استثمار همین ریاست که در مقابل هیچ، خود پول که هست و در

مقابل هیچ، این بزیاید، بهره بردارد. در اسلام، این البته به هر صورتش حرام است حتی این فرارهایی که بعضی‌ها جایز می‌دانند، این فرارها هم صحیح نیست. فرار از ربا هم صحیح نیست. یک راه‌هایی گفته شده است، لکن آن‌ها هم صحیح نیست بهره‌برداری از این نقود و از پول به هیچ وجه در اسلام جایز نیست. از جهتی که یک همچو بانک اسلامی که مبنایش بر این باشد که بهره در کار نباشد و ربا در کار نباشد، این یک خدمت بزرگی است به جامعه و به اسلام، هر دو، که امید است که احتیاج مردم از سایر بانک‌ها به واسطه این بانک سلب بشود و مردم توجه بکنند به این بانک که اسلامی است، مبنایش اسلام است، اسلامی است و مبنایش بر این است که استعمار نکند مردم را، بهره‌برداری از انسان بیخودی نکند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۲۵).

سیستم بانکداری به این وضعی که الآن در ایران هست، این وضع طاعوتی است. ربا در اسلام حرام است؛ در قرآن اعلام به حرمت شده است: کسی که ربا بخورد، ربا بگیرد - در اسلام، در قرآن گفته شده است که جنگ با خدا می‌کند! این سیستم باید متحول بشود. سیستم بانکی باید عوض بشود. و ما امیدواریم که با همت همه کارمندان و کارگران این طور مسائل حل بشود. اگر این مسائل حل نشود، فرهنگ ما همان فرهنگ باشد، وزارتخانه‌های ما همان وزارتخانه‌ها باشد، افراد وزارتخانه‌ها باز همان باشد، ادارات ما باز همان ادارات باشد، و مردم ما باز همان افکار را داشته باشند که در زمان طاعوت داشتند، من خوف این را دارم که شکستی به ما وارد بشود که دیگر جبران نتوانیم بکنیم. باید همه با هم، همه مکلفیم - تکلیف تکلیف خدایی است - همه مکلفیم که اسلام و کشور را نجات بدهیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱-۲).

امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرف‌های فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحث‌ها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم‌بندی آن، در انفال و ثروت‌های عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری؛ در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی و ... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۷۷-۱۷۶).

شرط اصلی موفقیت بانک مرکزی در استفاده از عملیات بازار باز، وجود بازار پیشرفته اوراق بهادار، به ویژه اوراق قرضه است تا بانک مرکزی بتواند هر موقع که لازم بداند با پیشنهاد قیمت‌های جدید به مقدار دلخواه، به خرید یا فروش اوراق قرضه پردازد و این شرط، به دلایل زیر هیچ‌وقت در ایران پا نگیرد:

۱. ناسازگاری ماهیت اوراق قرضه با اعتقادات دینی، مردم ایران به جهت پایبندی به تعالیم اسلام، سعی می‌کنند تا جایی که می‌توانند از معاملات ربوی اجتناب نمایند و از طرق مجاز شرعی به سرمایه‌گذاری و کسب درآمد پردازند.

۲. نداشتن سود مناسب تا قبل از تصویب عملیات بانکداری بدون ربا، نرخ بهره پرداختی به اوراق قرضه ۲، ۳، ۵ و ۷ ساله به ترتیب معادل ۹، ۵/۹، ۱۰، ۵/۱۰ درصد بود. این نرخ در بیش‌تر سال‌ها پایین‌تر از نرخ تورم بود. در نتیجه خریدار اوراق قرضه، یا در واقع ضرر می‌کرد و یا سود ناچیزی به دست می‌آورد. در نتیجه سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه در برابر معاملات دیگر، چون بورس‌بازی روی زمین، برتری نداشت.

۳. نبود انگیزه از طرف سیاست‌گذاران، چنانچه گذشت اوراق قرضه ابتدا به‌عنوان ابزاری برای تأمین مالی طرح‌های ویژه و تأمین کسری بودجه منتشر می‌گردد و سپس در مرحله بعد، به‌عنوان ابزاری برای کنترل حجم نقدینگی در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد. از آنجایی که در ایران رقم اصلی تأمین بودجه از طریق درآمدهای حاصل از فروش نفت بود، تنها در سال‌هایی که دولت در فروش نفت و کسب درآمدهای موردنظر با مشکل روبه‌رو می‌شد به این سمت کشیده می‌شد و در نخستین فرصت در صدد جمع‌آوری اوراق فروخته‌شده برمی‌آمد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. در مجموع به این نتیجه می‌رسیم که مضاربه یک قرارداد شرعی - قانونی است که می‌تواند با انواع اشکال آن شیوه اقتصادی صحیحی را در جامعه ترویج کند. این در حالی است که همه صاحب‌نظران مسائل بانکداری وجود چنین ابزاری را برای رویارویی با بحران‌های مقطعی و بهره‌گرفتن از آن را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت، ضروری می‌دانند.

بر این اساس است که اقتصاددانان مسلمان و کارشناسان بانکداری به فکر طراحی شیوه‌ها و ابزارهای مناسب، جهت جایگزینی اوراق قرضه افتاده‌اند و تاکنون ابزارهایی ارائه کرده‌اند.

۲. مضاربه، رونق بخشیدن به اقتصاد و به جریان انداختن ثروت‌ها و جلوگیری از رکود کسب‌وکار و بازار مسلمانان است. هدف از مضاربه به‌کارگیری نیروهای فعال و کارآمد و

جلوگیری از عاقل و باطل ماندن انسان‌های شایسته و مسلمان است. همچنین هدف از مضاربه تحصیل سود و درآمد مشروع و حلال و جلوگیری از رباخواری و اکل مال به باطل است. مضاربه از جمله تسهیلات کوتاه‌مدت است که مؤسسات بر اساس آن می‌توانند جهت گسترش امور بازرگانی به‌عنوان مالک، سرمایه نقدی لازم را برای انجام یک معامله تجاری در اختیار عامل، اعم از شخص حقیقی و حقوقی قرار دهند و در سود حاصله به توافق شریک شوند. ۳. اصل مضاربه برای تصرف در سرمایه، یعنی خرید و فروش کالای تجارته است، اما کالای تجارته انواعی دارد که به میزان تفاوت آن‌ها، انتفاع و استفاده از آن‌ها نیز فرق دارد.

پیشنهادها

۱. روش‌هایی که ربا را از سیستم بانکی و سرمایه‌گذاری‌ها حذف می‌کند تقویت شوند تا به مرور جامعه‌ای عاری از ربا داشته باشیم.
 ۲. مؤسسات و سامانه‌های بانکی با سلامت کار و صداقت اعتماد عملی مردم را جهت سرمایه‌گذاری به‌صورت مضاربه و دیگر عقود اسلامی همراه خود کنند.
 ۳. جایگزینی اوراق قرضه، استفاده از اوراق مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های دولتی است. انتشار این اوراق نسبت به سایر ابزارهای تأمین مالی، از مزایایی برخوردار است. این اوراق شامل تمام بخش‌های اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعتی، خدماتی و بازرگانی می‌شود. همچنین قابلیت استفاده در انواع طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را دارد.
- دولت می‌تواند در مقاطع زمانی خاص، درصدی از اصل سرمایه را به‌عنوان سود علی‌الحساب به صاحبان اوراق بپردازد و در پایان دوره مالی و یا در پایان سال مالی از سهم سود آنان کسر کند.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر.
- اراکی، محمدعلی. (۱۳۷۲) *رساله توضیح المسائل*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت^(ع).
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ . (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- _____ . (۱۳۹۱) *رساله توضیح المسائل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بروجردی، محمد. (۱۳۹۰) *دایرة المعارف تشیع*، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- جواهری، حسن. (۱۳۸۵ق) *بحوث فی الفقه المعاصر*، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق) *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق) *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- خورشید، احمد. (۱۳۷۴) *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*، ترجمه محمدجواد مهدوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق) *مبانی العروه الوثقی*، قم: دار العلم، چاپ اول.
- رفیق مصری، یونس. (۱۴۰۷ق) *مصرف التنمیه الإسلامی*، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ سوم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۹ق) *مسائل الافهام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
- طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۱۹ق) *مستمسک عروه الوثقی*، قم: دار التفسیر، چاپ اول.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۳ق) *عروه الوثقی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۵) *قواعد الاحکام*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۰۹ق) *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*، جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق) *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دارالهجره.
- *قانون انتشار اسناد خزانه و اوراق قرضه مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحیه ۱۳۵۰*، مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی.
- کریمی، محمدحسین. (۱۳۷۷) *سیاست‌های پولی از دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی (س)*، کنگره بررسی‌های اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- *کمیته فقهی بورس و اوراق بهادار*، مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۱، سازمان بورس و اوراق بهادار.
- گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۳۸۲) *مجمع المسائل*، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
- *مجله اینترنتی حضور*. (تابستان ۱۳۷۴) «نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی»، شماره ۱۲. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/130/4339/28473/%D9%86%D9%88>
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق) *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و دیگران. (۱۳۹۰) «بررسی فقهی و حقوقی اوراق بهادار مضاربه»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۴۰.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۳۰۵ق) *زبدۃ البیان فی احکام القرآن*، تهران: انتشارات محمدعلی شیرازی و محمدحسین بن رضانعلی تاجر کاشانی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹) *تفسیر نمونه*، نشر تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۷۸) *بررسی فقهی - اقتصادی اوراق مشارکت جایگزین اوراق قرضه*، تهران:

مجموعه مقالات کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.

- نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱) *جواهر الکلام*، تصحیح محمد قوجانی، بیروت: چاپ بیروت.

- هادوی نیا، علی‌اصغر. (۱۳۷۶) «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ق) *فرهنگ فقه*، قم: دایرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ اول.